

طرح پیشنهادی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران ترازنامه و راهکارهای پیشنهادی

متن زیر طرح پیشنهادی گروه کار ترازنامه و راهکارها است به منظور تدارک بحث عمومی و تدوین متن نهائی پیشنهادی به چهارمین گردهمائی سراسری جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران.

گروه کار ترازنامه و راهکارها، با حضور ده نفر از همراهان، کار جمعی خود را از تاریخ ۱۴ سپتامبر گذشته آغاز کرد و در هفتم دسامبر ۲۰۱۰ به پایان رساند.

در این متن، گروه کار کوشیده است، به اختصار، با نگاهی تحلیلی به ویژگی ها و کارنامه جنبش ج.د.ل.ا. بر پاره ای از مشکلات اساسی و پایدار آن مکت کند و راه حل هائی برای برون رفت از آنها عرضه دارد.

بدیهی است که چه در نگاه به گذشته و تشخیص نارسائی ها و چه در پیشنهاد چاره ها، تأکیدها و نظرات متفاوتی در میان اعضای گروه کار وجود داشت و تفاهم بر سر انتشار یک متن واحد از جانب گروه کار، به معنای توافق همه اعضای آن بایکایک گزاره های مندرج در آن نیست. هر یک از اعضای گروه کار، در صورت تمایل و برای کمک به نقد و تعمیق مباحث، ملاحظات و نظرات خود را در این زمینه منتشر خواهند کرد. بخش پایانی این نوشته، که در برگیرند راهکارهای پیشنهادی گروه کار به چهارمین گردهمائی سراسری جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران است، از توافق میان اعضای گروه کار برخوردار میباشد.

گروه کار به منظور تبادل نظر گسترده تر و تکمیل و اصلاح متن کنونی، در آیند نزدیک گفت و شنوهای عمومی را در این زمینه، از طریق اینترنت، تدارک خواهد دید.

۱- ویژگی های شکل گیری

• جنبش ج.د.ل.ا. به دنبال انتشار فراخوانی علنی، جمهوری اسلامی، جمهوری لائیک و جایگاه ما (۳ خرداد ۱۳۸۰، ۲۳ مه ۲۰۰۱) در آستانه هشتمین دور انتخابات ریاست جمهوری در ایران، با امضای مجموعه متنوعی از افراد، از افق های گوناگون فکری، شکل گرفت و نه طبق اراده فرد یا هسته ای همفکر برای برپائی یک تشکیلات سیاسی با اساسنامه و مرامنامه و برنامه. پیشنهاد دهندگان اولیه فراخوان اصولاً چنین هدف یا انتظاری نداشتند.

• در پی انتشار بیانیه یاد شده پرسش ها و پیشنهاد های متفاوتی برای ادامه کار وجود داشت، اما سرانجام از طریق ارسال پرسشنامه ای کتبی به مجموعه امضا کنندگان بیانیه، آرای پاسخ دهندگان جمع آوری شد. نتیجه این رایزنی، تمایل اکثریت به برگذاری سمیناری در

پاریس در باره دموکراسی و لائیسیته در ایران، پیشنهاد رایزنی همگانی از آنرو مطرح شد که همگامان آینده از همان لحظه آغاز و از نخستین گام، مسیر حرکت را رقم بزنند.

• دو سالی پس از انتشار بیانیه، سمینار مردم سالاری و جمهوری لائیک در ایران (۵ و ۶ ژوئیه ۲۰۰۳) در پاریس به خوبی و با استقبال کم سابقه ای برگزار شد. در پایان کار سمینار و بدون تدارک قبلی تصمیم گرفته شد از میان علاقمندان به ادامه کار، و نه همه شرکت کنندگان در سمینار، جمعی پیگیری کارهای آینده را به عهده بگیرد و بدین ترتیب نخستین "جمع هماهنگی" در میان ما به وجود آمد که تدارک نخستین گردهمائی سراسری را عهده دار شد.

• انتشار بیانیه، در پایان نخستین تجربه اصلاحات حکومتی که بسیاری را در خارج کشور به دنبال خود کشانده بود، فضای تازه ای در آرایش نیروهای سیاسی آنزمان (۲۰۰۱) گشود. طرح ایده دموکراسی به عنوان مضمون عمده تحولات آینده ایران و آزادی و جدائی دین و دولت به عنوان اجزای جدائی ناپذیر آن و وجود جمهوری اسلامی در کلیت آن به عنوان مانع اصلی این گذار، جمع گسترده ای از افراد دموکرات و آزادیخواه را که تا آنزمان بیان خواست ها و انتظارات خود را در گفتارهای سیاسی موجود نیافته بودند، در هواداری از مفاد بیانیه بسیج کرد.

• مساله چگونگی مشارکت در این حرکت و جایگاه فرد و سازمان در میان ما از نخستین مباحث جدی در آغاز کار بود. ایده مشارکت فرد صرفنظر از تعلقات تشکیلاتی گذشته و کنونی اش در شبکه ای از مناسبات افقی و سیال، بدون سلسله مراتب، بر اساس تمایل و کار داوطلبانه فردی برای انتخاب کردن یا انتخاب شدن در هر نهادی از بدعت ها و دست آوردهای ما در این دوره بود.

• ایده ضرورت همگرایی طیف گسترده و متنوعی از ایرانیان، برای استقرار آزادی، دموکراسی و استقلال در ایران، در برابر هر شکلی از استبداد دینی، موروثی یا ایده ئولوژیک، طیفی که در آنزمان از جانب ما به صدای سوم موسوم شده بود، نیازمند شکل و قالبی از مناسبات منعطف بود که هم بتواند صداهای درونی این طیف را بازتاب دهد و هم گام ها و اقدامات مشترک آنان را در این راه ممکن سازد. فکر چتر فراگیر سه خانواده بزرگ سیاسی خواهان آزادی، استقلال و دموکراسی در ایران یعنی چپ های مستقل، پیروان نهضت ملی و دین باوران یا به زبان دقیق تر مسلمانان لائیک از تفاهم بر سر این ضرورت در میان ما به وجود آمد.

• زمینه مادی طرح ایده جنبش در میان ما در کنار اشکال سازماندهی شناخته شده چون حزب، سازمان و جبهه، در حقیقت از این واقعیت سرچشمه می گرفت که پس از انتشار بیانیه یادشده و در جریان تدارک ادامه کار، در اینجا و آنجا محافل خودجوش جمهوری خواهی دموکرات و لائیک به وجود می آمدند و خواهان ارتباط و کار مشترک با یکدیگر بودند. قالب منعطف جنبش، شبکه ای برای پیوند این محافل

خودانگیزه یا داوطلبانه با هم بود.

• این گسست های مفهومی نسبت به سنت های پیشین سیاسی نیازمند زبان و اصطلاحات تازه ای برای بیان خود بود: کاربرد واژه هائی چون همراه، شورای هماهنگی، گروه های کار، ساختار، گردهمآئی و... در حوزه سیاست، محصول فاصله گذاری های فکری و زبانی این تجربه تازه بود.

• جنبش ج.د.ل.ا. با همفراز و نشیب هائی که طی کرده است همواره بر سر پیمان خود نسبت به اصول اعلام شده اش استوار مانده است و در پست و بلند سیاست روز به این سو و آنسو نگردیده است و اگر صدای او طنینی داشته است مرهون همین پایبندی و استمرار در مقاومت و مبارزه با همفراز های استبداد دینی در ایران بوده است.

۲- بازنگری گذشته

آغاز حرکت رسمی با برگزاری نخستین گردهمآئی سراسری (۳ - ۵ سپتامبر ۲۰۰۴) و پس از آن:

نخستین گردهمآئی با تلاشی فشرده و شبانه روزی و با تدارکی نسبتاً خوب برگزار شد. استقبال گسترده و تنوع چشمگیر شرکت کنندگان و حضور افرادی از افق ها و گرایش های گوناگون، همه دلگرم کننده بود. در جریان تدارک گردهمآئی لحظاتی پیش آمد که با خطر به بن بست کشیده شدن کارها روبرو شدیم. برای پاسخگویی به مشکلات نشست تدارک مشترک در کلن (۱۳ و ۱۴ مارس ۲۰۰۴) برپا شد و توانست به تشکیل گروه های سند سیاسی، ساختار، ارتباطات و سایت، دست یازد. در همین نشست در برابر رویارویی دو قطب نظری، فکر چند صدائی بودن حرکت ما مطرح شد و جای خود را در میان همراهان باز کرد و ادامه کار تدارک را ممکن ساخت.

در جریان پیشنهاد سند سیاسی و بحث های مربوط به آن در نخستین روز نشست سراسری، طرح ها و مناقشات نامنتظره ای پیش کشیده شد و برنامه پیش بینی شده گردهمآئی را مختل کرد، اما سرانجام سند سیاسی با گنجانیدن وجوه افتراق بر سر مسأله ملی- قومی، شکل و مضمون جمهوری و اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب همراهان رسید. از دست آورد های این گردهمآئی تصویب قرار ۱۲ فروردین، روز نه به جمهوری اسلامی و نیز یادمان کشتار سیاسی ۶۷ بود که به ویژه قرار ۱۲ فروردین زمینه اقدام مشترک آینده جدل با دیگران شد. در همین گردهمآئی بود که اصل مشارکت 50 در صدی زنان در همه ارگان ها و عرصه های فعالیت به تصویب رسید که تحقق آن در عمل با مشکلات جدی روبرو شد.

• اما این گردهمآئی، ناکامی ها و ضعف های چشمگیری نیز داشت. نخستین آن معوق ماندن بحث و تصویب سند ساختار بود. تنگی وقت و پیشبرد کارهای ضروری دیگر مجال برای گفت و شنود لازم در این باره به گردهمآئی نداد و تنها چند بند سند ساختار که پیگیری وظایف اصلی را ممکن میساخت به تصویب رسید.

• مسأله دیگر تغییری بود که کمیسیون سند سیاسی منتخب گردهمآئی، در جریان بحث های درونی خود، در یکی از بندهای سند سیاسی

پیشنهادی گروه کار به وجود آورد که مربوط به نوع نظام آینده در ایران میشد. در سند گروه کار تعیین نوع نظام به رأی مردم واگذار شده بود و در روایت تازه تنها نوع جمهوری با رأی مردم انتخاب میشد. و در آن مجال تنگ و قرائت شتابزده سند سیاسی، فرصت تأمل و گفتگو در این باره دست نداد. هرچند این امر بعدها پیگیری و ترمیم شد ولی در آن لحظات موجب بدبینی و بی اعتمادی شماری از همراهان گردید.

- موضوع رأی گیری بر سر جمهوری پارلمانی در گردهمآئی نیز، بدون تدارک نظری پیشین و کار فکری لازم، از نظر برخی، از اساس بی معنا و بیهوده بود. درحالیکه کسان بیشتری از این رأی گیری به عنوان بیان تمایل جمع و توافق نظر مشترکی که در اسناد پیشنهادی آمده بود، دفاع میکردند.

- طرح وجوه افتراق در سند سیاسی نیز از دید پاره ای از همراهان مورد انتقاد بود و تأکید داشتند که در سند می بایست تنها بر حرکت حول اشتراکات پافشاری میشد.

- رویداد شگرف این گردهمآئی جدائی پر جنجال دوستان و پیروان یکی از سازمان های سیاسی بود که به انتظاراتی که از این گردهمآئی داشتند نرسیده بودند. رفتار آنان به ویژه در هفته های پس از گردهمآئی در کوبیدن و خط بطلان کشیدن بر مخالفان فکری نشانه های بارز بازگشت به فرهنگ انشعاب های ایده ئولوژیک و طرد و نفی دوستان دیروز و دشمنان امروز بود..

گردهمآئی دوم در هانوفر (۲۴-۲۶ فوریه ۲۰۰۶)

- با تدارک ضعیف و ناکافی برگزار شد. آخرین هفته های پیش از تدارک گردهمآئی فضائی متشنج بر گفتگوهای عمومی پالتاکی سنگینی میکرد. تفاهمی بر سر هدف های برگزاری و نتایج دلخواه از آن وجود نداشت. از همان آغاز نشست شاهد بروز نخستین نشانه های تنش هائی بودیم که در روزهای بعد به وضوح چهره خود را عیان کرد.

- با همه مشکلاتی که در این گردهمآئی بروز کرد، اراده مشترک جمع موفق به تصویب بیانیه سیاسی و چند قطعنامه از جمله قطعنامه بحران هسته ای شد که بیانگر مخالفت اصولی ما با تلاش های پنهان و آشکار رژیم جمهوری اسلامی در راه دست یافتن به فن آوری هسته ای نظامی بود.

- آغاز دوره طولانی تنش های پس از گردهمآئی، دوره ای که به نام چاره اندیشی برای بحران در میان ما موسوم شد و برای نخستین بار در سنت تشکل های سیاسی، تصمیم مشترک همراهان بر آن شد که همه این مشکلات و مسائل از راه گفتگوهای باز و علنی در ملاء عام و با دعوت از دوستان ناخشنود، از طریق پالتاک های همگانی همراه با نشر مقالات در تارنمای صدای ما طرح و بررسی شوند. چرا که از دید این همراهان جنبش ما جایگاه تنوع فکری بود و تفاوت های نظری و سیاسی نقطه قوت آن بودند، نه زمینه های جدائی و انشعاب.

گردهمآئی سوم در بروکسل (۲۰-۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸)

گردهمائی سوم از لحاظ تدارک اجرائی و با کمک شایان توجه دوستان بروکسل به خوبی برگزار شد و برپائی روز نخست آن نیز، به نشانه گفتگوئی بیرونی و با دیگران، با استقبال روبرو شد. اما دو نکته هست که مکث بر سر آنها در دوره پس از گردهمائی سوم مفید خواهد بود.

• نخستین نکته به موضوعی بر میگردد که با مبحث پروژه عمل پیوند دارد و آن کوششی است که به ابتکار جدل در ارتباط با دیگر نیروهای جمهوری خواه و در راستای همگرایی میان آنان شکل گرفت. در حقیقت دعوتی بود از سازمان های دیگر تا با گشودن باب گفتگوی متقابل بتوان در زمینه یا زمینه هائی به نتایج یا مواضع مشترک دست یافت. این پروژه از آغاز مورد نقد برخی از همراهان بود. اما صرفنظر از دلایل این نقدها و برداشت های متفاوت و با توجه به اینکه این کوشش پس از ماه ها تلاش و برگزاری جلسات گفت و شنود با هشت یا نه سازمان سیاسی دیگر، سرانجام به بن بست رسید و دنباله آن رها شد، یکی از کارهای ضروری برای برداشتن قدم های احتمالی آینده در این زمینه، بررسی و درس گیری از این تجربه است. دوستانی که مبتکر و گرداننده این حرکت بوده اند بهترین کسانی هستند که می توانند دست آوردها و شکست های این تجربه را در اختیار دیگران بگذارند. از سرگیری هر حرکت دیگری در این زمینه بدون این واریسی انتقادی، در معرض شکست دوباره خواهد بود.

• نکته دوم به تحلیل فضای سیاسی خارج از کشور پس از تقلب رسوای انتخاباتی سال گذشته در ایران بر میگردد. کاستی های ما در این دوره بر کسی پوشیده نیست. در حقیقت یکی از دلایل اصلی تشکیل نشست حضوری میان دوره ای در هانوفر در فوریه ۲۰۱۰، همفکری برای پاسخ دادن به همین کاستی ها و چاره اندیشی در این باره بود. بیانیه مصوب نشست، دیدگاه ما را نسبت به تحولات پس از انتخابات ۸۸ روشن میساخت. افزون بر این، قرارهای دیگری به منظور تقویت سایت ندای آزادی و گروه های کاری دیگر برای تأمین حضور بیشتر در فضای سیاسی و همکاری با دیگر نیروهای سیاسی به تصویب جمع رسید. ضرورت دارد که بار دیگر این امر در مباحث سیاسی چهارمین گردهمائی جای ویژه ای داشته باشد.

۳- یادآوری پاره ای از اشکالات و نارسائی های پایدار

• مهم ترین مسأله ای که در این دوره با آن روبرو بودیم و تا امروز هم به شکل های گوناگون ادامه دارد، مسأله چگونگی فهمیدن و به کار بستن امر مشارکت فردی بوده است. یعنی رفتار و مسئولیت پذیری فرد آزاد، خودمختار و داوطلبی که در مناسباتی افقی و بدون سلسله مراتب وارد کار جمعی دموکراتیک میشود. در عمل و در فراز و نشیب های کار جمعی، وجود خلئی فرهنگی، نوعی تربیت اجتماعی دموکراتیک برای مسئولیت پذیری و پاسخگوئی به وظایف، در کار ما چشمگیر بوده است. در مقایسه با راه و روش سنتی که فرد در درون تشکیلات سیاسی به تدریج و با گذشتن از آزمایش های چندانگانه بر

مدارج تشکیلاتی دست پیدا میکرد، در این طرح تازه، همه این مراحل و موانع از پیش پای فرد برداشته شده بود و پذیرش مسئولیت در هر سطحی به عهده خود او گذاشته شده بود و این واقعیت درست برعکس فهم رایج، نیازمند سختگیری فردی بسیار بیشتری با خود بود. با آنکه بروز اینگونه اشکالات در مراحل آغازین یک تجربه تازه، قابل پیش بینی و فهم است اما حقیقت آنست که نقد ریشه ای و صریح آن در میان ما بسیار کم انجام شده است. از همین رو نیاز به قرارهای مدون و روشن برای پیشبرد کار جمعی دموکراتیک با تکیه بر اصل پذیرش مسئولیت و پاسخگوئی نسبت به آن، بیش از پیش باید در دستور کار ما قرار گیرد.

• بدفهمی از جنبش یا ساختار جنبشی نیز سبب بروز اشکالاتی از همین دست در میان ما بوده است. صرفنظر از اختلاف نظری پیرامون مفهوم جنبش و نسبت آن با ما، گاه سهل انگاری و عدم پاسخگوئی نسبت به مسئولیتی که می پذیریم به بهانه جنبشی بودن ساختار ما توجیه می شود. در این زمینه هنوز نیازمند کار فکری و توضیحی بیشتری هستیم.

• برای فهم بهتر برخی از رفتارهای مشکل آفرین فردی در این دوره باید به بدبینی ها و دشمنی های بازمانده از گذشته میان هواداران سازمان های سیاسی که به عنوان همراهان جنبش در میان ما کار می کردند نیز اشاره کرد که به ویژه در فاصله دو گردهمائی نخستین موجب تنش های بیهوده و فرساینده میان آنان شد و اثرات بدی بر مجموعه همراهان بر جای نهاد.

• راست است که به دلیل تنوع آرا و افکار در درون ما و معنای باز و آزاد همراهی در بین ما، طبعاً انتظارات و تصورات متفاوت و گاه متناقضی نسبت به این مجموعه و اهداف آن در میان ما وجود داشته و هنوز هم دارد. این تصورات که از باشگاه بحث تا بدیل سیاسی مستقیم رژیم حاکم در نوسان بوده اند، در لحظاتی سبب بروز مشکلاتی فراتر از طرح اختلاف نظرها میشد و به دلسردی و به بن بست کشیدن کارها و وظایف عملی منجر میگردد و همزیستی میان دیدگاه های متفاوت را که اصلی پذیرفته شده در میان ماست، با دشواری روبرو میکرد.

• مسأله لزوم مشارکت زنان در جنبش ما و جایگاه ویژه ای که در نخستین گردهمائی سراسری پیدا کرد برای نخستین بار در یک جریان و حرکت سیاسی ایرانی به تصویب اصل مشارکت برابر زنان و مردان در همه فعالیت ها و ارگان های جنبش ج.د.ل.ا. انجامید. اما همانگونه که اشاره شد تحقق عملی این اصل همواره با مشکلات واقعی و بن بست روبرو بوده است. حتی گروه کار زنان نیز پس از مدتی تلاش در عمل و به دلایل درونی از کار باز ماند. و پس از آن کوششی در این راه صورت نگرفت. زنان همچنان قلب بحران اجتماعی اسلام حاکم و کانون اصلی تبعیض در حکومت مذهبی در ایران هستند. با همه جان سختی موانع فرهنگی، اجتماعی و تاریخی در راه مشارکت زنان به ویژه در عرصه سیاست، تنها با حساسیت و توجه ویژه مردان و زنان نسبت به این امر و یافتن راه های عملی مشارکت جمعی و عرصه های کار مشترک

است که میتوان تا حدی بر این موانع چیره شد. گروه کار ترازنامه پس از برشمردن و یادآوری کاستی ها و نارسائی های یادشده و جلب توجه و تأمل همراهان و دوستان جنبش نسبت به آنها، مایل است ارزیابی و پیشنهادهای متفاوت خود را برسر دو موضوع و مشکل اساسی، یعنی شورای هماهنگی و تارنمای جنبش ج.د.ل.ا.، با همراهان در میان نهد.

۴- راهکارهای پیشنهادی در مورد شورای هماهنگی و سایت شورای هماهنگی:

• اساسی ترین مشکل درونی ما در دوره پس از نخستین گردهمآئی، وضع شورای هماهنگی و بی عملی و کشمکش های فرساینده میان اعضای آن بود. شورای هماهنگی حتی موفق نشد به قواعد ساده و ضروری کار جمعی در میان خود دست پیدا کند. عدم رعایت قرارها و پاسخگویی نسبت به پذیرش مسئولیت ها، نداشتن برنامه کار بیرونی، شورای هماهنگی را که قرار بود زبان مشترک خواست ها و نظرات این مجموعه باشد به ارگانی در خود و ناکارآمد بدل ساخت. به رغم زحمت و تلاش بسیاری از افراد شورای هماهنگی این پرسش همچنان پیش روی همه ماست که چرا شورائی که منتخب همراهان این جنبش است همواره دچار این مشکلات و نارسائی ها بوده است. چرا و به چه دلایلی شورا نتوانسته است به وظایف خود جامه عمل بپوشاند؟

پیش از طرح پیشنهادها در این باره لازم است به برخی نکات عام که بی ارتباط به کار یا وظایف شورای هماهنگی نیستند اشاره شود. از جمله تأکید برخی از اعضای گروه کار بر لزوم به اجرا گذاشتن تصمیمات گذشته شورای هماهنگی به منظور تشکیل و تقویت گروه های کاری و گرایش ها و پیوند با جنبش های مطالبه محور در درون ایران است. ضرورت تدوین نقشه راه و پروژه ها و گروه های کار از جمله در همسو کردن مبارزات داخل و خارج کشور است. و نیز تأکید هم اعضای گروه کار بر اهمیت ارتباط مداوم شورا و همراهان است که به عنوان یکی از کاستی های اساسی کنونی از آن یاد میشود. همچنین فقدان آئین نامه درونی شورا، بمتابه میثاقی که روابط بین اعضای شورا، وظایف و مسئولیت های آنها را تعیین می کند، از دلایل ناکارآمدی شورا شمرده شده است. تشکیل گروه کار مالی برای تأمین مخارج جنبش نیز در نظر برخی از اعضای گروه کار از فوریت برخوردار است و طرحی برای تصویب در گردهمآئی در این زمینه ارائه خواهد شد.

اما در مورد شورای هماهنگی، وظایف و مسئولیت های آن و راه های بیرون آمدن از وضع کنونی دو پیشنهاد وجود دارد.

• **پیشنهاد الف-** شورای هماهنگی مطابق سند ساختار می تواند منتخب گردهمآیی باشد که با رأی مستقیم همراهان انتخاب و توسط نمایندگان واحدهای محلی تکمیل می شود. شورا برای پیشبرد وظایف تأکید شده، هماهنگی بین واحدها، داشتن رابطه مستمر با همراهان، واکنش نسبت به تحولات سیاسی و ایجاد رابطه با دیگر نیروهای جمهوری خواه به منظور حضور در فضای سیاسی و مداخله گری فعال در سیاست نیازمند

تشکیل گروه های کار است. گروه های کار، بر اساس نیازهای فوق، توسط همراهان داوطلب که در زمینه مورد نظر توانمندی و علاقه دارند، بوجود می آیند. حضور فرد یا افرادی از شورا در هر کدام از گروه های کار، داوطلبانه و فردی است. شورا نظارت بر پیشبرد وظایف گروه های کار - مورد توافق گردهمآیی- بمعنای دخالت شورا در امور گروه های کار نیست. برای پیشبرد وظایف محوله به شورا، حداقل تشکیل گروه های کار ارتباطات، تحریر بیانیه، پالتاک، سایت و مالی ضروری هستند. وظایف و اختیارات این گروه های کار را می توان به دقت تعیین نمود و ضرورت آن ها را یادآور شد. گروه های کاری فوق، ضمن استقلال در تصمیم گیری ها، پاسخگو نسبت به شورای هماهنگی خواهند بود، در چارچوب وظایف از قبل تعیین شده. گروه کار تحریر بیانیه، به نام شورا و گروه کار ارتباطات از جانب شورا با دیگر نیروها تماس خواهد گرفت.

نیازی به توضیح نیست که اجرای این طرح، با این پیش فرض طبیعی قابل اجراست که همراه، علاوه بر اعتقاد و التزام به مبانی پایه ای جنبش ج.د.ل.ا.، مشارکت خود را با پذیرش مسئولیت و پاسخگویی در قبال وظایف محوله معنا ببخشد.

• پیشنهاد ب- کارکردهای اساسی شورای هماهنگی را می توان در سه بعد یا محور خلاصه کرد :

نخست، هماهنگی فعالیت های سراسری یا در مقیاسی کوچکتر کارهای مشترک میان واحدها؛ دوم، وظیفه نمایندگی سیاسی جدل در مناسبات بیرونی با دیگر نیروهای سیاسی یا نهادهای اجتماعی؛ و سوم، بیان مواضع و رویکردهای مشترک جدل، یعنی آنجا که جدل، حرف سیاسی خود را می خواهد یا می باید بیان کند.

از این سه وظیفه یا کارکرد اصلی، نخستین آن یعنی هماهنگی فعالیت ها، سالهاست که دیگر در دستور کار شورا نیست. چرا که جز کارزار ۱۲ فروردین، که تازه آنهم در عمل توسط یک گروه کار و نه شورا به انجام رسید، هیچگاه کارزار یا عمل سراسری دیگری مطرح نبوده است. واحدها هم کار مشترکی با یکدیگر به پیش نبرده اند که نیازی به هماهنگی داشته باشد. هر یک برای خود و با امکانات خود فعالیت کرده اند. پس وظیفه نخست عملاً در محاق تعطیل بوده است. وظیفه دوم را شورا تا آنجا که توانسته و البته به صورت منفعل، یعنی هنگامی که به آن رجوع کرده اند، بیش و کم به انجام رسانده است. تنها در یک مورد خود مبتکر گفتگوهای رسمی با دیگران بوده است. و درست همین وظیفه نمایندگی از جانب مجموعه همراهان جدل است که لزوم وجود شورا یا چیزی شبیه آنرا در میان ما توجیه میکند. اما آیا نمی توان برای این منظور این وظیفه را به نمایندگان واحدهای محلی در شورا سپرد؟ یعنی جمعی که در انتخابات محلی که افراد شناخت بیشتری از یکدیگر دارند به پشتوانه رأی همراهان انتخاب شده اند و به شورا راه پیدا کرده اند. ممکن است ایراد گرفته شود که در فاصله پایان گردهمآیی تا انتخاب نمایندگان واحدها که گاه چند

ماهی به درازا می کشد، تکلیف نمایندگی سیاسی چه می شود. برای پر کردن این خلأ و با توجه به اینکه این نیاز امری فوری و روزمره نیست از ترکیب دو گروه می توان استفاده کرد، هم جمعی از داوطلبان شورای هماهنگی پیشین که در جریان کارهای جاری هستند و هم گروه دیگری که برای انجام وظیفه سوم از طریق انتخابات در گردهمائی سراسری به شورا راه خواهد یافت.

اما وظیفه سوم که مربوط به اعلام مواضع و رویکردهای سیاسی جدل و در حقیقت بیان و زبان مشترک سیاسی این مجموعه است و از نمودهای حضور سیاسی ما در تحلیل رویدادها و طنین صدای ماست، نیازمند یک گروه کار زبده و فعال است که اعضای آن میتوانند با توجه به توانائی ها و صلاحیت های لازم، در گردهمائی سراسری انتخاب شوند. پس در این طرح ترکیب اعضا و چگونگی انتخاب آنان با توجه به وظایف یاد شده چنین است:

۱- وظیفه هماهنگی فعالیت های سراسری، در حال حاضر مطرح نیست، ولی در صورت لزوم گوه کاری برای آن تشکیل میشود و به شورا راه پیدا میکند.

۲- وظیفه نمایندگی سیاسی بر عهد نمایندگان واحدهای محلی است که به شورا میروند

۳- وظیفه اعلام مواضع و رویکردها، از طریق انتخاب مستقیم افرادی به همین منظور در گردهمائی سراسری صورت میگیرد.

طبیعی است از زمانی که شورا در عمل تشکیل می شود هر یک از وظایف یاد شده به نام شورای هماهنگی به انجام می رسد و نه این یا آن گروه کار.

در این طرح سعی بر آنست که در چارچوب ساختار کنونی، تا آنجا که ممکن است افراد و ارگان ها حول وظایف و کارکردهای مشخص، یعنی پروژه های کار سازماندهی شوند نه اینکه نخست انتخاب شوند و بعد بنشینند و ببینند چه کار باید بکنند.

سایت:

پیش از طرح پیشنهادهایی که در این زمینه در گروه کار وجود دارد ضروری است اشاره ای کوتاه به تجربه تارنمای صدای ما بکنیم. رسانه خوب و نسبتاً موفقی که توانست به دلیل کیفیت مطالب و بازتاب نگاه ها و تنوع درونی ما، جای خود را در فضای نشر مجازی باز کند. درس بزرگ این تجربه آن بود که ما در تمام مدتی که این تارنما به کار خود ادامه میداد به جای برقرار کردن راه و روشی جمعی، شفاف و دموکراتیک برای اداره آن به دوستی ها و روابط شخصی متکی بودیم و با بروز کدورت در آن دوستی ها و روابط، رسانه ای که در حقیقت به این مجموعه تعلق داشت، بنا به تصمیم های فردی به کار خود پایان داد.

در مورد سایت بمتابه صدای جنبش جدل و بازتاب دهنده گرایش های گوناگون جمهوری خواهی، توافق وجود دارد که باید رسانه ای کثرت گرا باشد. اما برای تحقق چنین امری، سه پیشنهاد وجود دارد:

۱- رسانه ایست سراسری و مستقل از هر نهادی که باید هم بازتاب صداها و افکار و دیدگاه های درونی طیف بزرگ هواداران جمهوری و دموکراسی و جدائی دین و دولت در ایران باشد (و نه جدل به تنهایی) و هم رسانه ارتباطی میان همراهان جدل برای تبادل آرا و اقدامات و مبارزات عملی مشترک. در چنین رسانه ای جدل جایگاه ویژه ای دارد بی آنکه سایت، ارگان آن باشد و شورای دبیرانی همدل و کارآ گرداننده آن خواهند بود. تنها تعهد گردانندگان در برابر شورای هماهنگی یا مجموعه همراهان جنبش جدل، تعهدی اخلاقی است برای واگذاری سایت به گردانندگان دیگری که در آینده کار را ادامه خواهند داد. در دل چنین رسانه ای، شورای هماهنگی صفحه ای اختصاصی برای ارتباط مستقیم و گفت و شنود با همراهان خواهد داشت و واحد های محلی جدل می توانند وبلاگ های ویژه خود را داشته باشند.

۲- در طرح دیگر که خواهان تمرکز عمدتاً ظرفیت ها و انرژی ها حول کار رسانه ای، در این مرحله از حیات جنبش ج.د.ل.ا. میباشد، وجود دو یا چند سایت مورد نظر است. یکی تارنمای رسمی شورای هماهنگی است که در حقیقت و با توجه به مشکلات موجود تارنمای حداقلی است که در آن اسناد و مصوبات و اقدامات شورا و احتمالاً واحدها و نهادهای دیگر درج میشود و کار جدل به طور خاص در همین محدوده سر و سامان پیدا می کند. اما در کنار این تارنما و ارگان رسمی، همراهان و افراد دیگری که با هم تفاهم دارند سایت یا سایت های مستقل دیگری بنا می کنند بدون وابستگی تشکیلاتی و در جهت عمومی آرمان های بنیادی ما.

۳- سایت جدل، رسانه ای است بازتاب دهنده صدای جنبش جدل. بی شک انعکاس همه صداها جمهوری خواهی و مدافعین دموکراسی و مبارزین حقوق بشر و هواخواهان جدایی دین و دولت، از وظایف خطیر سایت ما می باشد. سایت، توسط یک گروه کار اداره می شود. داوطلبین این گروه کار، علاوه بر تمایل و علاقمندی، باید نسبت به مسائل و تحولات سیاسی به روز باشند و دید رسانه ای داشته باشند و حامل تجربیاتی در این زمینه ها باشند. گروه کار سایت، در تعیین و اداره سایت در چارچوب وظایف تعیین شده خودمختار است. شورای هماهنگی نظارتی بر چگونگی پیشبرد سایت برای انعکاس صداها و مختلف جمهوری خواهان ندارد، اما، گروه کار نسبت به پیشبرد سیاست های جنبش جدل که در اسناد گردهمایی منعکس است، پاسخگو می باشد. سایت « ندای آزادی»، باید بطور گروهی و توسط گروه کار اداره شود. کاستی های موجود سایت، در زمینه های مختلف از این طریق قابل ترمیم است..